**سردار حسن طهرانی مقدم تا روز آخر عمر به عنوان مشاور فرمانده کل سپاه در امور موشکی و رئیس سازمان خودکفایی سپاه  در ایجاد یک توان علمی و دانشی پایه و زیربنایی مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بود و در روز شهادتش (21 آبان 1390) در پادگان امیرالمومنین(ع) شهرستان ملارد در حالی که برای آزمایش موشکی، آماده می شد، بر اثر وقوع انفجار در زاغه مهمات، به یاران شهیدش (احمد کاظمی، حسن شفیع زاده، حسن غازی، غلامرضا یزدانی، علیرضا ناهیدی، مصطفی تقی خواه و...) پیوست.**

****

**بنیانگذار توپخانه**

**سردار دکترمحمد تهرانی مقدم، برادر شهید حسن طهرانی مقدم و رئیس مرکز فرهنگی «صبح قریب» از نحوه تشکیل توپخانه سپاه به دست برادرش می گوید: شهید حسن تهرانی مقدم، نخستین فرمانده توپخانه سپاه و بنیانگذار آن بود. جنگ که شروع شد، سپاه فاقد توپخانه بود. ایشان وقتی به این مسئولیت منصوب شد، در سپاه توپ و توپخانه ای وجود نداشت. برخی دوستان زمانی که شنیدند یک جوان متعهد به عنوان فرمانده توپخانه انتخاب شده، خندیدند و برخی هم به تمسخر گرفتند و گفتند که نه توپی وجود دارد و نه توپخانه ای اما برای توپخانه فرمانده گذاشته اند! اخوی ما همان موقع گفت توپ های ما آن طرف است و اشاره کرد به نیروهای صدامی. چند روز بعد عملیاتی شکل گرفت که با انجام موفقیت آمیز آن، موفق شدند یک گردان توپخانه ارتش رژیم صدام را به غنیمت بگیرند و با همین توپ های غنیمتی توپخانه سپاه شکل گرفت. ایشان در همان زمان موفق شد سازمان توپخانه را پایه ریزی کند.   
وی ادامه می دهد: سال 1360 بود که شهید حاج حسن توپخانه سپاه را راه اندازی کرد و طی سال 61 و در عملیات های بعدی، همین توپخانه بیشترین حجم آتش را بر سر عراقی‌ها ریخت. یک سال بعد یعنی در سال 62 ایشان مسئولیت یگان موشکی سپاه را برعهده گرفت و این در حالی بود که فاقد موشک بودیم. یکی از ویژگی های شهید این بود که با آموزش جوانان، این مجموعه ها را حرکت می داد و همزمان نیز مجموعه های دیگری را راه اندازی می کرد.**

**در واقع دوستان دیگرش مسئولیت توپخانه را به عهده گرفتند و خود او به یگان موشکی سپاه رفت. او موفق شد از موشک هایی که در یکی از عملیات‌های ارتش بعثی عراق علیه ما استفاده شده و عمل نکرده بود استفاده کند. همچنین از بعضی از کشورهای دوست نیز در این مسیر کمک گرفت. در آن زمان ارتش صدام فکر می کرد که در پاسخ به موشک هایی که علیه مردم و شهرهای ما استفاده می کند، کشور ما چیزی ندارد. اما حاج حسن آقا موفق شد پاسخ دندان شکنی به ارتش بعثی عراق بدهد. آن زمان در حالی که آنها تصورش را هم نمی کردند، ایران موفق شد موشک های اسکاد را راه اندازی کند. این پاسخ مؤثر، عامل بسیار بازدارنده ای برای ارتش عراق شد. ما حتی نوآوری هایی داشتیم که توانستیم سوخت جامد را در عرصه موشکی تولید کنیم. ایشان نه تنها این سوخت را در کشور تولید کرد بلکه به برخی کشورهای دوست نیز در این مسیر کمک کرد. حاج حسن حتی به لبنان هم آمد و یگان موشکی حزب الله را در آنجا ایجاد کرد.**

**یادگاری حاج حسن**

**در روز برگزاری مراسم به همراهی جمعی از دوستان قدیمی توپخانه در دانشگاه تبریز حاضر شدیم. از جمله این عزیزان حاضر، شهید والامقام حسن طهرانی مقدم بود. یکایک دوستان حاضر که پس از اتمام جنگ تحمیلی پراکنده شده و هریک به دنبال سرنوشتی رفته بودند**

**برادر شهید تهرانی مقدم از راه اندازی و شکل گیری  این یگان در سال های 66-65 بیان می کند: بچه های حزب الله لبنان بسیار دوستدار حاج حسن آقا بودند. با کارهایی که ایشان انجام داد، حزب الله موفق به تجهیز سلاح هایی شد که هرگاه صهیونیست ها شرارتی می کردند، با پاسخ دندان شکن مواجه می شدند. الآن هم قاطعانه بگویم، رژیم صهیونیستی اگر هرگونه عملیات یا تهدیدی را علیه جمهوری اسلامی داشته باشد، از ناحیه موشک های حزب الله لبنان مشت محکمی را دریافت خواهد کرد که قلب تل آویو را زیر و رو می ‌کند.   
این مهم یکی از یادگارهای سردار شهید حسن تهرانی مقدم است. این نکته را نیز بگویم طی این روزها تلفن های بسیاری از سوی رزمندگان و دوستان حزب الله لبنان داشتم که ابراز احساسات زیادی کردند. میان بچه ها و حاج حسن آقا علاقه بسیاری حاکم بود.   
شهید حاج حسن آقا موفقیت های بسیاری داشت که من مجاز هستم فقط برخی از آنها را برای شما توضیح دهم. وی فردی بود کاملاً گمنام و به دور از تریبون و مصاحبه و سخنرانی. شخصیت او طوری بود که با اخلاص تمام کارها را تعقیب می کرد.**

**دوستان قدیمی توپخانه**

**سید مجید میرسِندُسی از پیشکسوتان توپخانه سپاه در دوران دفاع مقدس، در گفت وگویی که به مناسبت سالروز شهادت سردار شهید حسن طهرانی مقدم انجام داده، به بیان خاطره ای پرداخت و گفت: مرداد سال 1374 برای اولین کنگره بزرگداشت سرداران شهید باکری و شفیع زاده راهی تبریز شدم. از من برای حضور در این برنامه دعوت نشده بود؛ ولی برای اظهار ارادت به شهید شفیع زاده که در سال های دفاع مقدس با او و روح بلندنظر و طبع عالی اش آشنا شده بودم، به صورت خودجوش، به همراه خانواده و با وسیله شخصی به تبریز رفتم.  
 شب اول را (با هزینه شخصی) در یک هتل گذراندم؛ هرچند بعداً که جناب جهانسری، بزرگمرد دیگری از خطه دلاورخیز آذربایجان متوجه شد که من در هتل هستم به اصرار مرا جابه جا کرد و در هتلی که برای همایش در نظر گرفته بودند، جای داد.  
در روز برگزاری مراسم به همراهی جمعی از دوستان قدیمی توپخانه در دانشگاه تبریز حاضر شدیم. از جمله این عزیزان حاضر، شهید والامقام حسن طهرانی مقدم بود. یکایک دوستان حاضر که پس از اتمام جنگ تحمیلی پراکنده شده و هریک به دنبال سرنوشتی رفته بودند.**

**سرنوشت نیروهای قدیمی**

**حسن هم پیگیر سرنوشت نیروهای قدیمی توپخانه بود. در این میان محمد آقایی، درباره من، به حسن گفت: «حاج مجید درس می خواند، و دانشجوی کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس است.» حسن آقا جلو آمد و پیشانی ام را بوسید و گفت: «بارک الله! بچه های توپخانه باید درس بخوانند، تحصیل کرده شوند. این مملکت نیاز به آدم های تحصیل کرده دارد.»  
من که در آن سال ها درس را جدی ترین فعالیت اجتماعی خود قرار داده بودم، با این تشویق انگیزه مضاعفی پیدا کردم و به رغم سختی های خاص خود به ادامه تحصیل، با کیفیت خوب، بلکه عالی در بالاترین سطح پرداختم؛ در واقع تحصیل را نه برای مدرکش، بلکه برای کاربرد آن برای جامعه پی می گرفتم.  
هنوز پس از 20 سال، جای آن بوسه را به هنگام دیدن تصویری از ایشان احساس می کنم و علم را راهگشای بسیاری از نابسامانی هایی می دانم که در جامعه مان وجود دارد.**

***منابع: روزنامه ایران، خبرگزاری دفاع مقدس***